آرزو اشرفی‌زاده
مدیرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌ها

چالش بزرگ حقابه محیط‌زیستی

نخستین و مهم‌ترین چالش تهدیدکننده تالاب‌ها در ایران، تأمین‌نشدن نیاز آبی محیط‌زیستی یا حقابه است. تالاب‌ها از پرتولیدترین اکوسیستم‌های طبیعی جهان هستند و در تأمین سلامتی، رفاه و معیشت مستقیم و غیرمستقیم جوامع محلی ساکن در مناطق نزدیک و مجاور خود، نقشی مهم دارند. با توجه به ارزش بالای اقتصادی خدمات اکوسیستمی تالاب‌ها، حفاظت و بهره‌برداری مشوان از آنها بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگین می‌تواند نقش مؤثری در اقتصاد کشور از ابعاد گوناگون داشته باشد.

انواع تالاب‌ها، تثبیت‌کننده کربن هستند و این موضوع نقش بسیار مهمی در موضوع کنترل تغییر اقلیم دارد. پیت‌لندها ۳۰ درصد کربن دنیا را تثبیت می‌کنند. جنگل‌های حرا ۵۵ بار سریع‌تر از جنگل‌های بارانی گرمسیری تثبیت‌کننده کربن هستند، در نتیجه تخریب این اکوسیستم‌ها نیز می‌تواند تشدیدکننده پدیده تغییر اقلیم باشد.

متأسفانه در ایران ۱.۵ میلیون هکتار از تالاب‌های ایران پتانسیل تبدیل‌شدن به منشأ گردوغبار را دارند. تخریب و ازبین‌رفتن تالاب‌ها، تنها منجر به حذف یک اکوسیستم طبیعی نخواهد شد؛ بلکه اثر بسیار بزرگی بر زندگی و سلامت انسان‌ها خواهد داشت. در مناطق خشکی مانند ایران و خاورمیانه، یکی از عوامل گسترش و تشدید پدیده گردوغبار، خشک‌شدن تالاب‌هاست.

وضعیت تالاب‌ها، یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی نحوه مدیریت حوضه‌های آبخیز است و در نتیجه، ناخوش‌احوالی تالاب‌ها در کشور، می‌تواند نشانه‌ای آشکار از نبود توجه کافی و وافی به مدیریت صحیح و یکپارچه حوضه‌های آبخیز کشور و زنگ هشداری برای ضرورت بازنگری در سیاست‌ها و راهبردهای فعلی و اتخاذ تصمیم‌های مهم و فوری مدیریتی باشد.

تأمین‌نشدن حقابه، مهم‌ترین تهدید برای تالاب‌های ایران به شمار می‌آید. نخستین و مهم‌ترین چالش تهدیدکننده تالاب‌ها در ایران، تأمین‌نشدن نیاز آبی محیط‌زیستی است. تقریبا همه تالاب‌ها در پایین‌دست منابع تغذیه‌کننده خود، یعنی رودخانه‌ها قرار دارند؛ بنابراین تأمین و تخصیص نیاز محیط‌زیستی تالاب‌ها از منابع بالادست مانند رودخانه‌ها، مدیریت صحیح آب در بخش‌های مختلف مانند کشاورزی و صنعت از ضرورت‌های انکارناپذیر حفاظت از تالاب‌هاست.

جان‌بخشی دوباره بـه تالاب‌های اقمـاری دریاچه ارومیه به‌عنوان سـایت‌های بازرش پشتیبان اکولوژیک دریاچه در سایه همکاری بین‌دستگاهی و مشارکت جوامع محلـی یکی از نمونه‌های موفق اخیر در کشـور اسـت. نتیجه همکـاری، اقدام‌ها و پیگیری‌های کارگروه مشـترک سـازمان حفاظت محیط زیست و وزارت نیرو، آبگیری تالاب‌های اقماری دریاچه ارومیه و بازگشـت حیات اکولوژیک به آنها و امیدبخشی به مردم و جوامع محلی و رونق گردشگری بود.

توجه به آمایش سرزمین و توزیع فعالیت‌ها در پهنه سرزمین با تأکید ویژه بر موضوع آب، اصلاح و بازنگری مصرف آب در سـطح حوضه‌های آبخیز در بخش‌های شرب، بهداشت، کشـاورزی و صنعت، تنظیم برنامه‌ها و سیاسـت‌ها با هدف تطبیق الگوی مصـرف آب در بخش‌های مختلف با محدودیت‌های کنونی کشـور، کاهش تدریجی مصرف آب و کسـب بالاترین میزان بهره‌وری، توقف بارگذاری‌های جدید بر منابع آب حوضه‌ها به‌ویژه در بخش کشـاورزی و کاهش چشـمگیر میـزان مصرف کنونی آب در این بخش، بدون آسـیب به معیشـت مردم و از طریق به‌کارگیری روش‌های نوین ازجمله اقدام‌هایی است که برای حفاظت و احیای تالاب‌ها باید انجام شود.

مدیریت و حفاظت از تالاب‌ها بدون مشـارکت مردم ممکن نیسـت. در کنار تمام تلاش‌های دولتی و سـطوح کلان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور؛ تحقق نیاز آبی محیط‌زیسـتی تالاب‌ها، جلوگیری از آتش‌سـوزی‌های عمدی و شکار پرندگان مهاجر تالابی، عدم انحراف مسیر طبیعی آب ورودی به تالاب‌ها، جلوگیری از ورود گونه‌های غیربومـی و آلودگی‌هـا بـه تـالاب و بـسـیاری از اقدام‌های مخرب دیگـر که به مرگ اکوسیستم‌های ارزشمند تالابی در کشور عزیزمان منجر می‌شود، بدون مشارکت همه ذی‌نفعان، ذی‌مدخلان و مردم محلی ممکن نیست.

در دهه‌های گذشته بی‌توجهی به طرح‌های آمایش سرزمین، فراگیرنشدن فرهنگ صرفه‌جویـی به منظـور حفظ منابـع پایه، بخشـی‌نگری یا بی‌توجه‌نشـدن از نگاه جامع‌گرایانه به مقوله توسـعه در بخش‌های مختلف نظیر صنعت، کشـاورزی، شهر و از همه مهم‌تر، طرح‌های توسـعه‌ای آبـبر یا وابسته به منابع آب بخشی از عواملی است که امروز، دسـتاوردی جز چالش‌های رو به فزونی محیط زیست برای کشور به همراه نداشته است.

چالش‌هایی که حـالا اثر آن بر حوزه‌های مختلف زندگی مـردم ازجمله اقتصاد، معیشت، سلامت و بهداشت، آشکار و انکارناپذیر است.

این در حالی اسـت که حتی اگر تنها منافع ملی کشور و بهره‌وری اقتصادی را هم در نظر می‌گرفتیم، باید بسـیار بیشـتر از آنچه تاکنون به محیط زیسـت و حفظ ارکان مختلف آن ازجمله تالاب‌ها توجه کرده‌ایم، توجه می‌کردیم.

دراین‌میان وقوع برخی خشکسـالی‌ها و تغییر اقلیم روند نابودی تالاب‌ها را تسریع کرده و به‌همین‌دلیل اجرای الگویی مناسب برای معیشت مردم، همزمان با تأمین نیاز آبی حیات تالاب‌ها ضروری است تا از مزایای تالاب‌ها بهره‌مند شویم.

مدیریـت زیسـت‌بومی ضمـن درنظرگرفتـن نقـش و مسـئولیت فعـال برای دست‌اندرکاران در مدیریت و حفظ تالاب، با برنامه‌ریزی در سطح حوضه آبخیز سعی در برقراری تعادل میان حفاظت، توسـعه و تحقق بهره‌برداری خردمندانه از تالاب و مدیریت پایدار آن دارد.

بـا توجه به موارد ذکرشـده و لزوم اجـرای کامل این برنامه‌هـا، در برنامه هفتم توسـعه اقتصادی و اجتماعی پیشنهاد درنظرگرفتن شاخص‌های فرابخش و متناسب با مسـئولیت مربوطه در راسـتای اجرای برنامه حفاظت و بهره‌بـرداری خردمندانه زیسـت‌بومی تالاب‌ها به‌عنوان پیشـنهاد، ارائه شـد که بر لزوم تحقق این مهم تأکید می‌شود.

توجه به ارزش اقتصادی تالاب‌ها و خدمات اکوسیستمی آنها در معادلات اقتصادی کشـور در برابر توجیهات اقتصادی برای توسعه ناممتوازن و تخریب این اکوسیستم‌های طبیعـی و همچنین فراهم‌کردن تعادل بین حفاظـت و بهره‌برداری معقول با اجرای قوانین و ضوابط مربوطه با مشـارکت و همـکاری جوامع بومی و همراهی و حمایت نمایندگان محترم مجلس شـورای اسـلامی در پیگیری اجرای وظایف دسـتگاه‌های مربوطه امکان‌پذیر خواهد بود.

عکس: امین نظرپور، ایسنا

تالاب‌های در معرض خطر ایران

امساک در پرداخت حقابه محیط‌زیستی

سـامان موحدی‌راد: تابستان امسال همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شـد، با چند خبر ناگوار درباره وضعیت تالاب‌ها و دریاچه‌های داخلی همراه بود. دریاچه ارومیه به وضعیت اسف‌باری دچار شد و براساس اطلاعات مراکز پژوهشـی به بدترین وضعیت از زمان شـروع پروژه‌های احیا دچار شده است. تصاویر وضعیت کنونی این دریاچه هم مؤید این مسئله است که ارومیه در معرض خطر جدی قرار دارد و با مرگ فاصله چندانی ندارد. چنین وضعیتی برای هامون و گاوخونی نیز وجود دارد. جسـت‌وجوی اخبار هم نشـان می‌دهد تالاب‌های زیادی در ایران با وضعیت بدی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که دربیان علت وضعیت آنها یک کلیدواژه خودنمایی می‌کند: «حقابه محیط‌زیستی». نپرداختن حقابه محیط‌زیستی به تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران به سیاست‌های وزارت نیرو بازمی‌گردد. این وزارتخانه که مدیریت منابع آبی کشور را در اختیار دارد، اولویت‌هایی در آزادسازی منابع آبی دارد. چنان‌که از اظهارات برمی‌آید، آنها تأمین آب شرب شهروندان و آب بخش صنعت و کشاورزی را در اولویت قرار داده‌اند و در مرحله بعدی حقابه محیط‌زیستی برای آنها روی میز قرار می‌گیرد. این در حالی است که با روش‌های تقریبا دقیقی می‌توان پیش‌بینی کرد که هرسـاله چه میزان آب پشـت سدها جمع می‌شود و با درنظرگرفتن میزان دمای احتمالی و تبخیرها می‌توان از پیش در نظر داشت که سهم هرکدام از این بخش‌ها به چه میزان اسـت؛ اما همین محاسبات ساده، با انجام نمی‌شود یا نه آن بها داده نمی‌شود تا بیشـتر تالاب‌ها در مظاقع مختلفی از سال چشم‌انتظار رسیدن حقابه محیط‌زیستی‌شان باشند. امساک دولت در پرداخت حقابه محیط‌زیسـتی تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران درحالی اسـت که آنها دریک سال گذشته کارزار بزرگی را برای تأمین حقابه هیرمند از افغانسـتان راه‌اندازی کرده‌اند. اتفاق مهمی که در جهت دیپلماسی آب باید انجام شود و حقابه ایران از کشـورهای همسایه دریافت شود؛ اما با این رفتار داخلی در سیاسـت‌های آبی ایران این سؤال وجود دارد که با کرفتن چنین حقابه‌ای آیا تغییری در وضعیت بحرانی محیط زیست سیستان‌وبلوچستان رخ می‌دهد؟ در مجموع دولتی که در داخل حقابه تالاب‌ها را به‌درسـتی تأمین نمی‌کند، آیا تغییر در سیاسـت‌هایش می‌دهد یا خیر. در ادامه این گزارش وضعیت برخی از تالاب‌های بحرانی کشور در تابستان ۱۴۰۲ را بررسی کرده‌ایم؛ تالاب‌هایی که عمدتا با چالش تأمین‌نشدن به‌موقع حقابه محیط‌زیستی مواجه هستند.

عکس: مهدیه تاکی، شرق

هشیلان کرمانشاه درمعرض خشک‌سالی

از مهم‌ترین اکوسیسـتم‌های در حال خشـکی ایران شناخته می‌شود، مسـئله تأمین‌نشـدن حقابه محیط‌زیسـتی این تالاب به حدی جدی است که مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان اصفهان در گفت‌وگو با رسـانه‌ها، از طرح شکایت از شـرکت آب منطقه‌ای و وزارت نیرو و بیکیری قضایی برای تأمین حقابه تالاب هشیلان خبر می‌دهد و بر بازنگری در مصارف حوضه آبریز زاینده‌رود تأکید می‌کند.

تالاب هورالعظیم خوزستان درمعرض خشکی است

«وضعیت فرسـنی بـآبی در هورالعظیم»؛ این تیتری اسـت که بسـیاری از رسانه‌ها در تابستان امسال بر توصیف وضعیت تالاب هورالعظیم انتخاب کردند. البته که در تابسـتان‌های قبلی هم وضعیت هورالعظیم را چـت‌وچوکند، به تعبیر تیترها و توصیف‌ها مواجه می‌شود. تالاب هورالعظیم بزرگ‌ترین تالاب مرزی ایران در مرز ایران و عراق اسـت که با حدود ۱۲۰ هزار هکتـار در انتهای رودخانه کرخه و در منطقه دشت آذادگان قرار دارد. این تالاب دارای پنج بخش است که به دلیل تأمین‌نشدن حقابه مورد نیاز، خشک‌سالی، برداشت نفت و حفـاری‌های واحدات خاکریزها از طرف شـرکت‌های نفتی در حال خشک‌شدن و مرگ تدریجی است.

شـرایط به‌وجودآمده بر اثر خشک‌شدن تالاب، باعث مرگ بسیاری از گونه‌های جانوری و همچنین پوشش‌های گیاهی خاص هورالعظیم شـده است. بر اساس اعلام ادارکل حفاظت محیط زیست خوزستان تالاب هورالعظیم به دلیل شـرایط خشک‌سالی شدید، خشـک‌شدن کامل کمبود آب به‌ویژه در حوضه بالادسـت کرخه، بـه تـبش و بحران آبی مواجه اسـت. بر اسـاس آخرین آمار ما از اسـتاد مرداد امسال، مخازن سـه‌مارک و دو هورالعظیم به ۵۰ تا ۵۵ درصد آب دارند، مخزن سـه‌کمتر از ۵۰ درصـد آب دارد اما مخازن چهار و پنـج کمتر از ۲۰ درصد آب داشـته و در وضعیتی بسـیار بحرانی قرار دارند. سـیدعادل مولا، معاون محیط طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان، ادریهیشت امسال مهمترین مشـکل تالاب هورالعظیم را عدم تأمین حقابـه محیط‌زیسـتی دانسـت و گفت: مشـکلات بسـیاری درخصوص تأمین حقابه تالاب‌ها به وزارت نیرو ارسال شده و به‌نبود یک کلیدواژه خودنمایی می‌کند: «حقابه محیط‌زیستی». نپرداختن حقابه محیط‌زیستی به تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران به سیاست‌های وزارت نیرو بازمی‌گردد. این وزارتخانه که مدیریت منابع آبی کشور را در اختیار دارد، اولویت‌هایی در آزادسازی منابع آبی دارد. چنان‌که از اظهارات برمی‌آید، آنها تأمین آب شرب شهروندان و آب بخش صنعت و کشاورزی را در اولویت قرار داده‌اند و در مرحله بعدی حقابه محیط‌زیستی برای آنها روی میز قرار می‌گیرد. این در حالی است که با روش‌های تقریبا دقیقی می‌توان پیش‌بینی کرد که هرسـاله چه میزان آب پشـت سدها جمع می‌شود و با درنظرگرفتن میزان دمای احتمالی و تبخیرها می‌توان از پیش در نظر داشت که سهم هرکدام از این بخش‌ها به چه میزان اسـت؛ اما همین محاسبات ساده، با انجام نمی‌شود یا نه آن بها داده نمی‌شود تا بیشـتر تالاب‌ها در مظاقع مختلفی از سال چشم‌انتظار رسیدن حقابه محیط‌زیستی‌شان باشند. امساک دولت در پرداخت حقابه محیط‌زیسـتی تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران درحالی اسـت که آنها دریک سال گذشته کارزار بزرگی را برای تأمین حقابه هیرمند از افغانسـتان راه‌اندازی کرده‌اند. اتفاق مهمی که در جهت دیپلماسی آب باید انجام شود و حقابه ایران از کشـورهای همسایه دریافت شود؛ اما با این رفتار داخلی در سیاسـت‌های آبی ایران این سؤال وجود دارد که با کرفتن چنین حقابه‌ای آیا تغییری در وضعیت بحرانی محیط زیست سیستان‌وبلوچستان رخ می‌دهد؟ در مجموع دولتی که در داخل حقابه تالاب‌ها را به‌درسـتی تأمین نمی‌کند، آیا تغییر در سیاسـت‌هایش می‌دهد یا خیر. در ادامه این گزارش وضعیت برخی از تالاب‌های بحرانی کشور در تابستان ۱۴۰۲ را بررسی کرده‌ایم؛ تالاب‌هایی که عمدتا با چالش تأمین‌نشدن به‌موقع حقابه محیط‌زیستی مواجه هستند.

دریاچه هامون سیستان‌وبلوچستان درمعرض خطر جدی

دریاچه هامون جزء ۱۳ ذخیره‌گاه زیست‌کره ایران و هفتمین تالاب بین‌المللی جهان است، اما احداث سد کمال‌خان در افغانستان طی آن مخاطراتی ایجاد کرده است. خشـک‌سـالی در دریاچه هامون تهدیدی برای کشاورزی و معیشت مردم منطقه است. کارشناسان یکی از کانون‌های اصلی ایجاد گردوغبار را تالاب‌های خشک‌شده می‌دانند؛ بنابراین خشـک‌شدن تالاب هامون که در مسیر مهاجرت پرنده است، ولی همه این اثرات، در وقوع گردوغبار اسـتان سیستان‌وبلوچسـتان بسـیار تاثیرگذار است.

تالاب انزلی گیلان درمعرض تهدید

تالاب انزلی در حال حاضر تکاپوی زیادی را برای تأمین حقابه محیط‌زیستی این تالاب می‌کند. تالاب انزلی یکی از ۲۴ تالاب بین‌المللی ایران است که در سـال ۱۳۵۴ بـه همراه ۱۱ تالاب دیگر به دفتر کنوانسـیون رامسـر معرفی شـده بود. وسـعت تالاب انزلی در فصل‌های زمسـتان و بهار به دلیل افزایش بارش، حدود ۲۱۱ کیلومترمربع و در فصل تابسـتان به سـبب کم‌بشـدن حجم ورودی آب، کمبود بارش و افزایش میزان تبخیر به ۱۹۰ کیلومترمربع می‌رسـد. این تالاب هم در سال‌های اخیر با کاهش عمده تأمین حقابه محیط‌زیسـتی مواجه بوده و بسیاری نگران وضعیت آن هستند.

میانکاله مازندران درمعرض خطر

تالاب میانکاله را حالا همه با ماجرای پتروشـیمی می‌شناسند. اما حتی بدون در نظر گرفتن مسـئله پتروشـیمی هم این تالاب در خطر خشـک‌شـدن قرار دارد. مردم امسـال به‌ویژه پژوهشـگر مدیریت وضعیت این تالاب هشـدار داده‌اند بود هصـه ۱۰ روز فرعی و اصلی را وضعیت به‌جز یک روز خشـک شـده‌اند. تصـویر، اسـناد دانشـگاه علوم و فناوری مازندران،مدیریت یکپارچه، تأمین حقابه. خشـک‌شدن تالاب، آلایندگی، تالاب هورالعظیم، تالاب میانکاله، تالاب انزلی، تالاب هامون سیستان‌وبلوچستان درمعرض خطر جدی

در حال بهره‌برداری اسـت که این تعداد چاه‌ها به ثبت رسمی رسیده است. میان مصرف آب زیرزمینی منطقه ۹۱ میلیون مترمکعب برآورد می‌شـود. علاوه بر اینکه ۱۰ رودخانه اصلی و فرعی در منطقه وجود دارد که متوسط حقابه آنها ۱۲ مترمکعب بر ثانیه است. ولی همه این رودها به جز رودخانه قره‌سو خشک شده‌اند. به این معنا که هیچ کدام از ایـن رودها هیچ آبی را وارد میانکاله نمی‌کنـد و اگر چیزی به خلیج برسد، ناشی از بارش‌های پراکنده است.

دریاچه ارومیه بزرگ‌ترین قربانی عدم تأمین حقابه محیط‌زیستی

وقتـی از مرگ تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران حرف می‌زنیم اسـم دریاچه ارومیه در ذهن همه نقش می‌بندد. نکیس آبی زیبای ایران در شمال غرب کشـور که حالا با مرگ فاصله چندانی ندارد. بسـاری سـدسازی و توسـعه کشاورزی با افزایش وضعیت کنونی دریاچه ارومیه می‌دانند، اما درکنار این دو عامل مسـئله حقابه محیط‌زیسـتی هم یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایجاد این دریاچه اسـت؛ به‌ویژه از زمان شـروع فرایند احیای دریاچه ارومیه مدام دگرگونی‌هایی با وزارت نیرو بر سـر تأمین حقابه آن کرده و داشـت. در سـال‌های اخیر هشـدارهایی درباره تأمین حقابه محیط‌زیسـتی دریاچه وجود داشـت، اما به آن توجهی نشـد. ازجمله در بهار همین سـال‌ که تابسـتان با بدترین وضعیت تاریخ دریاچه ارومیه هم‌راه شـده، یک مقام مسـئول هشدارهایی در این زمینه داده بود. فروردین امسـال آرزو اشـرف‌زاده، مدیرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌های سـازمان محیط زیسـت درباره وضعیت دریاچه ارومیه گفته بود: «وضعیتنامه یا طرح حفاظت برای حفاظت در حوضه دریاچه ارومیه میزان بارش از میانگین بلندمدت بیشتر شده و انتظار می‌رود با این بارش‌ها و تکمیل اقدامات سخت‌افزاری در سال جاری، شـاهد تخصیص حقابه زیسـت‌محیطی دریاچه باشیم. در غیر این صورت در انتهای تابستان وضعیت دریاچه از شرایط سال قبل بدتر خواهد بود.

تالاب‌ها تنظیم‌کننده اقلیم محلی بوده و به‌عنوان تلطیف‌کننده هوا و به‌عنوان بادشکن عمل می‌کنند.

تالاب‌ها با مرطوب نگه‌داشتن سطح زمین نقش مهمی در کاهش شدت پدیده گرد و غبار و غلظت ریزگردها دارند.

بسـیاری از مواد زائد و بار آلودگی بیولوژیکی و شـیمیایی آب‌های سـطحی توسط تالاب‌ها تثبیت و غیرفعال می‌شوند.

تالاب‌ها نقش مهمی در تثبیت ازت و چرخه کربن بازی می‌کنند.

اهمیت و نقش تالاب‌ها در پدیده‌های مرتبط با گردوغبار

میانکیب میزان آب در تالاب‌ها از کمتر از ۱۵ درصد است. بیشتر تالاب‌های کشور در استان خوزسـتان قرار دارند. در این اسـتان تالاب‌های بزرگی همچون تالاب شادگان، هورالعظیم و هوالهویزه قرار دارند که در لیست کنوانسیون رامسر از جمله ۱۰۰ تالاب برتر در خاورمیانه ثبت شـده‌اند. این تالاب‌ها در حفظ پوشش گیاهی بیابان‌ها، حفظ رطوبت منطقه برای جلوگیری از حرکت شـن‌ها و حفظ زمین‌های کشاورزی بسیار اهمیت دارند. بنابراین احیای وضعیت تالاب‌ها نقش مستقیمی در کاهش گردوغبار دارد. تحقیقات نشان می‌دهد گردوغبار امروزه بیشـتر منشأ انسانی دارد تا بیابانی. زیرا در گذشته گردوغبارها در بستر تالاب‌ها رسوب می‌کردند ولی امروزه به دلیل نابودی میکروکیسه‌های مرطوب این رسوبات بر اثر وزش باد تبدیل به توفان‌های گردوغبار می‌شوند.

در شهرستان زابل حدود ۶۴ درصد از پاسخ‌دهندگان طی توفان با پس از توفان به دنبال کمک پزشـکی نبودند. درصد جمعیت روسـتایی مبتلا که به دنبال کمک پزشکی نبودند بیشـتر از جمعیت شهری اسـت. نرخ پزشـک معالج پنج دلار برای ویزیت اسـت و ۱۵ دلار ویزیت. سـالانه ۷۵ دلار در سال اسـت که این پیش از توان مردم محلی اسـت. از آنجا که کل جمعیت سـاکن در منطقه به‌طور یکنواخت در معرض توفان‌های گرد و غبار اسـت، نتایج پرسـشنامه به‌عنوان نمونه‌ای از جامعه مشاهده می‌شود. از ۷۹ درصد پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی، ۲۰ درصد به دلیل خطرهای ناشی از برگردن پرسشنامه از مطالعه خارج شدند و ۲۵ درصد دیگر از آنجا که گزارش شـدند در ردیف‌های (۲)، (۳)، (۴)، (۵) و (۶) در تعیین تالاب‌های دارای اولویت و برنامه عملیاتی در خصوص اجرای‌کردن ماده ۲ آیین‌نامه تحقیق جلوگیری از گردوغبار برآورد شده بودند. دفترچه‌های مربوط به جامعه، بر اساس تجزیه و تحلیل فوق، در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۰۶ میلیون دلار تخمین زده شده است.

بیماری آب و انسـداد مزمن ریوی (COPD) شایع‌ترین بیماری تنفسـی در سال‌های اخیر بوده است. ثابت شـده است که شیوع این بیماری‌ها در اثر توفان‌های گرد و غبار تسریع می‌شـود. COPD یک بیماری مزمن ریه اسـت که به باعث اسـتاد جریان هوا می‌شود و بر تنفس تأثیر می‌گذارد. این بیماری در کودکی شـروع می‌شود و با افزایش سن به تدریج پیشرفت می‌کند. تجزیه و تحلیل داده‌ها از سوابق در بیمارسـتان زابل نشان داد که بیشترین تعداد بیمـاران مبتلا به این بیماری بیـن ماه‌های ژوئن و اگوسـت زمانی که توفان‌های گردوغبار در اوج خود بودند، مراجعه کرده‌اند.

بررسی عملکرد ستادهای هماهنگی و مدیریت تالاب‌های کشور

مرکز پژوهشی‌های مجلس به تازگی و در یک سال گذشته با مطالعه دقیقی عملکرد ستاد هماهنگی و مدیریت تالاب‌های کشور را بررسی و گزارش در این زمینه منتشر کرده است. این گزارش مفصل به صورت خلاصه عملکرد این ستاد را چنین بررسی می‌کند: بررسی عملکرد سـه سـاله ستاد ملی هماهنگی و مدیریت تالاب‌های کشور، حاکی از آن است که در مجموع طی چهار سال گذشته تنها چهار جلسه برای این ستاد تشکیل شده و از زمان برگزاری آخرین جلسـه این ستاد بیش از یک سـال می‌گذرد. در حالی که مرور حتی مصوبات تشکیل‌شده در این ستاد حاکی از آن است عمل مصوبات صورت‌گرفته از جمله تراکم جلسات آن در موضوع تالاب میانکاله، به فراموشی سپرده شده است. به نحوی که به جز یک گزارش تحت عنـوان «راهبرد‌ها و برنامه عمل حفاظت و احیای تالاب‌های ایران، سازمان حفاظت محیط‌زیست، اردیبهشت ۱۳۹۹» در پرتال سازمان حفاظت محیط زیسـت به موجب تکلیف بند (۳) مصوبات این جلسـه ورود می‌شود. نشانه‌ای از گزارش جلسات آتی در رابطه ارائه گزارشات تکلیفی در بندهای (۲)، (۳)، (۵) و (۶) در تعیین تالاب‌های دارای اولویت و برنامه عملیاتی در خصوص اجرای‌کردن ماده ۲ آیین‌نامه تحقیق جلوگیری از گردوغبار برآورد شده بودند. دفترچه‌های مربوط به جامعه، بر اساس تجزیه و تحلیل فوق، در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۰۶ میلیون دلار تخمین زده شده است.

اهمیت و نقش تالاب‌ها در پدیده‌های مرتبط با گردوغبار

میانکیب میزان آب در تالاب‌ها از کمتر از ۱۵ درصد است. بیشتر تالاب‌های کشور در استان خوزسـتان قرار دارند. در این اسـتان تالاب‌های بزرگی همچون تالاب شادگان، هورالعظیم و هوالهویزه قرار دارند که در لیست کنوانسیون رامسر از جمله ۱۰۰ تالاب برتر در خاورمیانه ثبت شـده‌اند. این تالاب‌ها در حفظ پوشش گیاهی بیابان‌ها، حفظ رطوبت منطقه برای جلوگیری از حرکت شـن‌ها و حفظ زمین‌های کشاورزی بسیار اهمیت دارند. بنابراین احیای وضعیت تالاب‌ها نقش مستقیمی در کاهش گردوغبار دارد. تحقیقات نشان می‌دهد گردوغبار امروزه بیشـتر منشأ انسانی دارد تا بیابانی. زیرا در گذشته گردوغبارها در بستر تالاب‌ها رسوب می‌کردند ولی امروزه به دلیل نابودی میکروکیسه‌های مرطوب این رسوبات بر اثر وزش باد تبدیل به توفان‌های گردوغبار می‌شوند.

گفت‌وگو با مسعود باقرزاده‌کریمی، مدیرکل سابق دفتر حفاظت و احیای تالاب‌های سازمان محیط زیست

نگاه اشتباه به توسعه، محیط زیست را در تنگنا قرار داده

مسعود باقرزاده‌کریمی سـال‌ها در زمینه مدیریت تالاب‌ها در ایران فعالیـت کرده و پیـش از این هم مدیرکل دفتـر حفاظت و احیای تالاب‌های سـازمان محیط زیست بوده اسـت. او همچنین دارای دکترای هیدرولوژی آب‌های داخل خشـکی اسـت و در سال‌های گذشته به‌عنوان رئیس حوضه آبریز دریاچه ارومیه فعالیت می‌کرده. با باقرزاده‌کریمی درباره سیاسـت‌های مدیریت تالاب‌ها در ایران و چالش‌های تأمین حقابه تالاب‌ها کفت‌وکوکرده‌ایم.

◆ به نظر می‌رسد با وجود اینکه دولت‌ها با سازمانی مانند حفاظت محیط زیست وظیفه حراسـت و نگهداری از محیط زیسـت ایران را برعهده دارند، اما با نپرداختن حقابه محیط‌زیستی به خصم آن هم تبدیل شـده‌اند. نظر شما در این زمینه چیسـت و چقدر با این ادعا موافقید؟

مـا یک مشـکل ماهیتی در جهت‌گیـری توسـعه‌ای داریم که در دولت‌هـای مختلـف نـگاه و توجه بـه آن کم‌رنـگ و پررنگ می‌شـود، اما به طور کلی این نگاه همیشـه وجـود دارد. زاویه‌ای که سیاسـت‌های توسـعه‌ای ما با تأمین حقابه تالاب‌ها دارد، کم و زیاد می‌شـود، اما هیچ‌گاه ترمیم نمی‌شود. علت این مسئله در این اسـت که سیاست‌های توسـعه‌ای ما، در همه دولت‌ها، منطبق با طرح‌های حیاتی سرزمینی‌مان نبوده و نیسـت. این واقعیتی اسـت که کسـی نمی‌تواند آن را کتمان کند. یعنی با وجود اینکه ما در کشورمان محیط زیست، ستاد تالاب‌ها و کوانسیون رامسر را داریم و به تعهداتی که به آنها داشـته باشیم پایبندیم، بیش از ظرفیت آبی در حوزه‌های آبی کشـور بارگذاری می‌کنیم. طبیعی اسـت که وقتی بین بخش کشـاورزی و محیط زیسـت رقابتی ایجاد می‌شود یا بین بخش آب شـرب و محیط زیسـت رقابتی ایجاد می‌شود، همه کارشناسان ایجاد شـده در کشور از محیط زیسـت و محیط زیست رقابتی ایجاد می‌شود، چراکه صنعت یا کشاورزی اشتغال ایجاد می‌کند و موجب توسعه رفاه می‌شود یا آب شرب خیلی بیشتر از آب کشاورزی می‌کند. این ادعاها در چنین فضایی موجب می‌شـود که خیلی‌ها تصمیم بگیرند یا از ارزش‌دادن به این ادعاهای به‌ظاهر محکمه‌پسند، توش و توان‌شان را بگذارند تا آب این بخش‌ها را تأمین کنند تا اینکه برای حقابه محیط‌زیستی بجنگند. در واقع با این نگاه توسعه‌ای اشتباه خودمان برای خودمان شرایطی قرار داده‌ایم که کویا این دو مسئله در تقابل با هم قرار دارند. دوسـت‌داران محیط زیست برای حفظ محیط‌های طبیعی ایران با فشار روبرو هستند. فشارهایی که بر آن را دامنـه‌ی برای محیط زیسـت می‌دانند و در مقابل هم آنهایـی که به مواهب اقتصادی و رفاهی این پروژه دل بسته بودند، مدافعان محیط زیسـت را دشمنی بر سر مسیر توسعه‌های‌شان می‌دانند. به هر حال یا کجکاوشان این پایه با من فرصت را که محیط زیست پشتیبان توسعه باشد. فرقیم قرار بگیرند. طبیعی است که کسی طرف محیط زیست را نمی‌گیرد. البته همه اینها در حال است که ما روی کاغذ تعداد زیادی قانـون و آیین‌نامه برای حفاظت از محیط زیست تعریف کرده‌ایم. قانون تالاب‌ها را نوشته‌ایم و در زمینه حفاظت از جنگل‌ها و سـواحل و دریاها هم سـتادها و کارگروه‌های زیادی را تشـکیل داده‌ایم تا در این زمینه محیط زیسـت را از بین ببریم؛ اما در عمل همه این تصاویر زیبا روی کاغذ محقق نمی‌شود و وضعیت ما به شرایط کنونی رسیده است.

عکس: مهدیه تاکی، شرق

◆ چرا این اهداف محقق نمی‌شود؟

به این دلیل که سیاست‌ها به گونه‌ای تنظیم می‌شود که محیط زیسـت توان پشتیبانی از آن را ندارد. شما باید محیط زیسـت را مانند چوبـی تصـور کنید که اگر بر آن فشـار بیاورید، بعـد از مدتی خم می‌شود و می‌شـکند. این یعنی اینکه بیشـتر از ظرفیتش بر آن بار گذاشته‌اید. چیزی که در عمل بین مفهوم توسعه و حفاظت محیط زیست رخ می‌دهد هم از جنس همین بارگذاری بیش از حد است.

◆ مهم‌ترین چالش‌های تالاب‌های ایران درحال حاضر چیست؟

قبل از اینکه چالش‌ها را بگویم، باید به این نکته اشـاره کنم که متأثر از اتفاقات تلخی که برای تالاب‌های ایران رخ داده، درحال‌حاضر همه اطلاع و آگاهی دقیقی از وضعیت تالاب‌ها دارند و مثل گذشته نیسـت که بگویم شناخت‌نداشـتن و ناآگاهی مـردم از تالاب‌ها و اهمیت زیسـت‌محیطی آنها یک چالش بزرگ برای ما به حسـاب می‌آید. این بالارفتن سـطح آگاهی از مردم عادی و محلی شـروع می‌شود و به مدیران مملکتی و نمایندگان مجلس هم می‌رسد؛ ولی مـا در مرحله کذاری قرار کرفته‌ایم که به نظرم اصلی‌ترین چالش محیط‌زیسـتی تالاب‌های ایران را رقم می‌زنـد. از یک طرف ما یک محیط‌زیسـتی قربانی هدف‌هایی شـده‌ایم. درحالی‌که برای این توسعه باید طرفیت منطقه در ارتباط با بعد عوامل دخیل در آن کار شارم مدرم محلی، درحاله، درختان، حیوانات و سایر موجودات مشخص می‌شود و بعد برای چنین محل توسعه‌ای تصمیم کرفته می‌شد. این منطقه معادله بسیار ساده‌ای دارد.

◆ رابطه توسعه و حفاظت محیط زیست به‌ویژه مدیریت منابع آبی در ایران، رابطه درستی است یا بد؟

به نکته درستی اشاره کردید. مسئله این است که اگر ما مفهوم توسعه را درست تعریف می‌کردیم، درحال‌حاضر به چنین چالشی در زمینه حفظ محیط زیسـت نمی‌خوردیم؛ چراکـه اگر این اتفاق به‌درسـتی رخ می‌داد و پایه‌های توسـعه ایران به‌درسـتی تعریف می‌شد، نهتنها توسعه دشـمنی برای محیط زیست نبود، بلکه زیر نبود مدام از تقابل این دو حرف برنیم که در نقطه مقابل طرف‌های محیط‌زیسـتی ب